

به نام خدا

زنگ کتابخوانی

دوستان کتاب

استان گلستان
شهرستان گرگان
دبستان پسرانه پیشگامان تربیت ۱
آموزگار: مرگدري نژاد



در آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ که نهمین بهار معلمی خود را پشت سر می‌گذاشتم تصمیم گرفتم ساعتی را در هفته با عنوان زنگ کتابخوانی برای دانش آموزان تشکیل دهم. این زنگ فرصتی است برای کشف دنیای شگفت انگیز کتاب‌ها و ایجاد ارتباطی عمیق با ادبیات. گروهی را با عنوان **دوستان کتاب** راه اندازی کردیم تا بیشتر با بچه‌ها کتاب بخوانیم. روش کار ما اینگونه بود، تا جایی که بتوانیم برای **رشد فکری، شخصیتی و علمی بچه‌ها** مفید باشیم و تلاش کنیم از کارهای سطحی و بی‌فایده دوری کنیم.

کتابخوانی مهم است چون دین ما، اعتقادات ما مبتنی بر دانایی است. از طریق کتاب می‌خواهیم به تقویت مغز پردازیم برای انجام این فعالیت نیاز به حمایت و پیگیری تک تک والدین داشتیم.

با توجه به نظرات مدیر محترم و مطالعه در این زمینه تصمیم بر آن شد که **۹ کتاب** را با عنوان‌های مختلف جهت مطالعه به دانش آموزان معرفی کرده تا خریداری نمایند سپس در هر ماه یک کتاب را مورد بررسی قرار دهیم کتاب‌هایی که انتخاب شد با **عنوان: تقویت مهارت‌های زندگی، کسب آگاهی و موضوعات اجتماعی** بودند که دانش آموزان در مسیر زندگی خود به آن مهارت‌ها نیاز داشتند.

برای هر کتاب با توجه به موضوعش **فعالیت‌هایی شامل:**

اجرای نمایش

گفتگو و مباحثه با دانش آموزان

بحث و کار گروهی

مسابقه و پانتومیم

نقاشی‌های گروهی و فردی

حل کاربرگ

و ... طراحی شد.

در قسمت بعدی نام کتاب‌ها همراه با توضیحات، اهداف، تعداد جلسات تشکیل شده و عکس‌های مرتبط با آن را آورده ایم.

توضیحات



کتاب «شکل کوسه» با این نگاه برای آموزش دادن کودک و توجه دادن آن‌ها نسبت به مسئله وحدت نوشته شده است. در زیر دریا، ماهی‌ها زندگی خوبی دارند، اما هشت‌پایی پیدا شه که هر روز اذیتشان می‌کند و حتی آن‌ها را می‌خورد. تا اینکه فکری به ذهن کوچکترین ماهی می‌رسد و باعث می‌شود تا ماهی‌ها نجات پیدا کنند.

اهداف

- آموزش معنی اتحاد.
- ترویج همکاری و دوستی بین دانش آموزان .

فعالیت های انجام شده

- شخصیت های اصلی داستان چه کسانی بودند؟ ویژگی هر کدام را نام ببرید. (پرسش و پاسخ)
- ماهی ها برای همکاری با هم چه کاری انجام دادند؟
- اهمیت همکاری و دوستی در مدرسه همراه با مثال (بحث گروهی)
- بیان ضرب المثل (آنها ۲ نفر بودند همراه، ما ۱۰۰ نفر بودیم تنها) و ارتباط آن با داستان.
- شباهت انگشتان دست با اتحاد در چیست؟
- رنگ آمیزی کتاب داستان.
- کلمه ی ماهی در این کتاب چند بار تکرار شده ؟ (تقویت حافظه دیداری و تمرکز)
- روانخوانی داستان.
- نتیجه گیری و بیان نظرات دانش آموزان.



ماه آبان

توضیحات

کتاب «نام های قشنگ تو» با هدف آموزش نام های خداوند به زبان کودکانه و در قالب داستان می باشد. نام هایی همچون: خالق، غفار، کریم، رحمان و رحیم، احد، باقی، سمیع، صمد و...

اهداف

- تفهیم مفهوم خالق (آفریننده)
- تفهیم مفهوم حفیظ (نگهدارنده)
- تفهیم مفهوم رحمان و رحیم (بخشنده و مهربان)
- تفهیم مفهوم باقی (ماندنی)
- همکاری و انجام کار گروهی
- تقویت اعتماد به نفس دانش آموزان (صحبت کردن در جمع دوستان)
- خواند شعر و تقویت اعتماد به نفس
- توضیح بخشندگی و مهربانی همراه مصداق

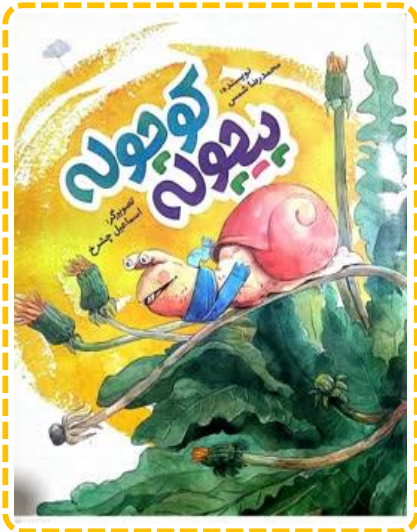
فعالیت های انجام شده

- ساختن بادبادک بصورت گروهی.
- پاسخ به سوال چگونه می توانیم با حیوانات و گیاهان مهربان باشیم؟ (باتوجه به معنی کلمه رحیم)
- آیا به دیگران مهربانی کرده اید؟ چگونه
- دانش آموزان را به دو گروه رحمان و رحیم تقسیم کردیم و مثال هایی مثل (تغذیه دادن به دوست، مداد دادن به آن ها، کمک به همسایه، خوب برخورد کردن با دیگران و... را در پای تابلو نوشتیم و از هر گروه خواستیم تا جملات مربوط به گروه خود را پیدا کند.
- بازدید از دفتر مدرسه و معرفی دستگاه کپی به دانش آموزان (جهت معرفی کلمه احد. هر چیزی شبیه و کپی در این جهان دارد ولی خداوند یگانه)
- کارت هایی را در بین دانش آموزان پخش کردیم که در هر کدام اسمی خداوند نوشته شده بود و هر دانش آموز باتوجه به کارت خود، در مورد یکی از اسم های خداوند صحبت می کرد (عزت نفس)
- مسابقه روانخوانی بین دانش آموزان و ارسال ویس در گروه ایتا
- مراحل تبدیل تخم مرغ به جوجه (با توجه به معنی کلمه باقی)



ماه آذر

توضیحات



«پیچوله کوچوله» تندترین حلزون توی باغچه است. پدربزرگ پیچول بیمار است. پیچوله می‌خواهد به پدربزرگش سر بزند. خانه پدربزرگ سه باغچه آن طرف‌تر است. راهم سخت و پرخطر است. اما پیچوله تصمیم خودش را گرفته است او می‌خواهد هر طور شده به دیدن پدربزرگ برود. دانش آموزان در این کتاب یاد می‌گیرند که چگونه با چالش‌های زندگی روبه‌رو شوند و آن‌ها را حل کنند.

اهداف

- تلاش و پشتکار برای برداشتن موانع سر راه خود
- مواجه شدن با چالش‌ها و مشکلات در زندگی
- احترام به بزرگ‌ترها
- تقویت خلاقیت و مهارت گفتاری در دانش‌آموز

فعالیت‌های انجام شده

- کشیدن نقاشی شخصیت‌های داستان و بررسی ویژگی‌های هر کدام.
- برای فوتبالیست موفق شدن چه مقدماتی را انجام دهیم و چه چالش‌هایی در مسیر پیشرفت ما وجود دارد.
- دانش‌آموزان در قالب یک فعالیت گروهی، نقاشی مرحله‌ای را از این کتاب می‌کشند.
- دانش‌آموزان خود را جای شخصیت اصلی داستان قرار می‌دهند و کتاب را روانخوانی می‌کنند.
- نتیجه‌گیری داستان از زبان بچه‌ها.
- حل کاربرگ طراحی شده متناسب با این کتاب.



ماه دی

توضیحات



دانش آموزان در کتاب «ضرب المثل های رنگی» با بعضی از این ضرب المثل ها که جنبه کاربردی در زندگی دارند آشنا می شوند و معنی آن را در قالب بازی و توضیح کودکانه می آموزند.

اهداف

- کنترل هیجانات (احساسات خشم، غم، شادی و...)
- مهم بودن ارتباط دوستی و کمک به هم نوعان
- رسیدن به اهداف بزرگ در زندگی
- آشنایی با فرهنگ و ادبیات کهن ایرانی

فعالیت های انجام شده

- توضیح ضرب المثل **کوبه کوبه نمیرسه ولی آدم به آدم میرسه** همراه با اجرای نمایش و پرسش و پاسخ در بین دانش آموزان.
- اجرای پانتومیم و مسابقه در مورد ضرب المثل **انگار از دماغ فیل افتاده** (هر دانش آموزی به قید قرعه هیجانانی مثل خوشحالی، عصبانیت، غم، شادی، ناراحتی، مغرور بودن و... را بصورت پانتومیم اجرا می کرد تا دانش آموزان آن را حدس بزنند)
- رنگ آمیزی کتاب داستان
- نتیجه گیری و خلاصه گویی ضرب المثل ها.
- تفکیک ویژگی های خوب و بد همکلاسی های خود
- با توجه به ضرب المثل **اول کاسه بعد اشکنه**، دانش آموزان را گروه بندی کرده و هر گروه باید مراحل ساخت موضوعی که به آن هاداده شده بود را به کمک همگروهی های خود بنویسد سپس گزارش آن را برای دوستان خود بخواند. (موضوع ها: ساختن خانه، درست کردن کیک، نقاشی کردن تابلو و...)



ماه دی

توضیحات



کتاب داستان (دانه پر ماجرا) درباره دانه ای است که دوست دارد خانه قشنگی برای خودش پیدا کند. با نسیم همراه می شود به مکان های مختلفی می رود ولی در هر مکان خطری تهدیدش می کند تا اینکه سرانجام به کنار رودی می رسد. دانه فکر می کند بهترین مکان برای زندگی کنار رود خانه است. همان جا می ماند و سبز می شود اما ماجراهای زیادی در پیش دارد و باید با یک همسایه خطرناک روبرو بشود...

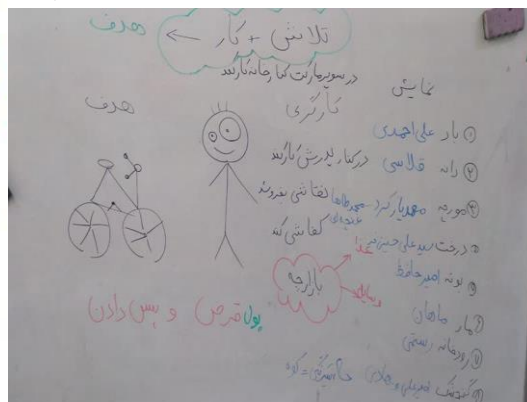
اهداف

- آموزش مفهوم همنشینی و انتخاب دوست خوب.
- چشیدن تجربه های مختلف و رشد کردن.
- رعایت حقوق همسایه.
- یادآوری نعمت هایی که در طبیعت وجود دارد.
- شناسایی استعدادها
- تجربه های مختلف در زندگی
- رسیدن به هدف و مقصود خود در زندگی
- شرکت در بازارچه

فعالیت های انجام شده



- اگر شما جای دانه بودید چه تصمیمی می گرفتید؟
- دانه در کجا، به همراه چه کسی شروع به سفر کرد؟ و چه موانعی را تجربه کرد؟
- اجرای نمایش
- با استفاده از مار، مورچه، دانه، باد، رودخانه و گنجشک داستانی کوتاه بنویسید.
- مراحل رشد دانه را به تصویر بکشید (تلفیق با درس علوم)





کتاب «درخت گلابی و همسایه مهربان» در نكوهشیِ غرور و تكبر و در ستایشِ تواضع و فروتنی نوشته شده است. این كتاب ماجرای درخت گلابی و بوته آویشن را روایت می کند كه در گوشه ای از يك باغ بزرگ، در همسایگی هم زندگی می كنند. درخت گلابی به میوه هایش كه عزیز ترین دارایی های او هستند می بالد و بوته آویشن را به خاطر كوچکی و بی خاصیت بودنش، مدام مسخره می كند. اما طولی نمی كشد كه پای مشكلی بزرگ به میان می آید...

اهداف

- علت آفرینش خود را بشناسند.
- ارزش وجودی خود را كشف كنند.
- تقویت عزت نفس
- آشنایی با تفاوت ها فردی
- كشف مهارت و استعداد هر دانش آموز
- دوری از غرور و تكبر.

فعالیت های انجام شده

- حل کاربرگ طراحی شده
- کشیدن نقاشی درخت گلابی و بوته ی آویشن، همراه جزییات.
- ۱۰ کلمه که با نشانه ی (آ) شروع می شود را پیدا کنید. (تقویت حافظه ی دیداری)
- ۵ کلمه که نشانه ی (ص) دارند را بگو.
- ویژگی های درخت گلابی را بیان کنید؟
- ویژگی های بوته ی آویشن را بیان کنید؟
- یادآوری خلقت خداوند که هیچ موجودی را بیهوده خلق نکرده است (۲۷سوره ی ص)
- همسایه ی مهربان چگونه به درخت کمک کرد؟
- اگر شما جای درخت گلابی بودید چه چیزی را به دوست خود هدیه می دادید
- اجرای نمایش درخت گلابی و بوته آویشن (ایفای نقش)
- پی بردن به ارزش وجودی خود و نا امید نشدن به خاطر حرف دیگران.
- روانخوانی توسط بچه ها و تقلید صدا در هنگام خواندن.
- اجرای مسابقه برای پیدا کردن کلمه. (معلم کلمه ای را می گفت و دانش آموزان آن را از کتاب پیدا می کردند و امتیاز می گرفتند.



باتوجه به آموزش های داده شده در زنگ کتابخوانی ،تصمیم گرفتیم تا هر دانش آموز موضوعی را انتخاب کرده و داستانی کوچک همراه با نقاشی انجام دهد. از بین داستان هایی که دانش آموزان نوشتند،بهترین ها برای چاپ و تبدیل به کتاب داستان انتخاب می شوند.و مجوز این کتاب به نام دانش آموزان ،توسط مدرسه گرفته خواهد شد.

اهداف

- تقویت قوه ی تخیل.
- عزت نفس.
- انجام یک کار بصورت مرحله ای.

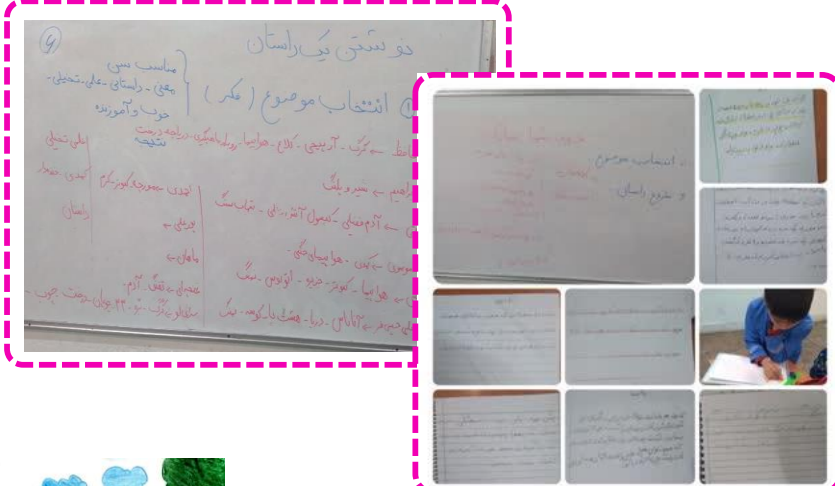
فعالیت های انجام شده

عنوان: ماجرای هواپیما و قناریها
نویسنده محمد قلاسی

یکی بود، یکی نبود. در جنگلی سرسبز و بزرگ، یک هواپیما در حال پرواز بود. ناگهان، به خاطر یک مشکل فنی، هواپیما سقوط کرد و در کنار یک درخت بزرگ فرود آمد. رانده ی هواپیما، مردی شجاع و مهربان، از هواپیما پیاده شد و با ناراحتی به هواپیمای خراب شده اش نگاه کرد.

او به درخت تکیه داد و کمی فکر کرد. ناگهان چشمش به یک لانه بالای درخت افتاد. کنجکاو شد و تصمیم گرفت تا ببیند که لانه متعلق به کدام پرنده است. با احتیاط از درخت بالا رفت و متوجه شد که این لانه، لانه ی قناریهاست!
در همین حین، مادر قناری به لانه برگشت و شروع به دادن غذا به جوجه هایش کرد. مرد با دقت و احترام به این صحنه زیبا نگاه کرد. او فهمید که این مادر قناری چقدر برای جوجه هایش زحمت می کشد و چقدر عشق و محبت در دلش دارد.
مرد بدون اینکه به لانه قناری ها دست بزند یا آن ها را مزاحم کند، آرام از درخت پایین آمد و به سمت رودخانه رفت تا کمی آب بخورد. در حین راه رفتن، به این فکر کرد که زندگی چقدر زیبا و پر از شگفتی است.
در کنار رودخانه، مرد به فکر چاره ای برای نجات خود افتاد. او به یاد آورد که در هواپیما یک کیت نجات وجود داشت. با شجاعت و اراده، به سمت هواپیما برگشت و کیت نجات را پیدا کرد. درون کیت، یک چراغ قوه، یک نقشه و مقداری غذا بود.
مرد با استفاده از نقشه، مسیر نزدیک ترین روستا را پیدا کرد. او تصمیم گرفت که به سمت روستا برود و از آنجا کمک بگیرد. با چراغ قوه اش، در تاریکی جنگل راه را پیدا کرد و با دقت قدم برداشت.
در میانه ی راه، او به یاد قناری ها افتاد و لبخندی بر لبش نشانید. او فهمید که در زندگی، هرچند مشکلاتی وجود دارد، اما با امید و تلاش می توان بر آن ها غلبه کرد.

پس از مدتی پیاده روی، مرد به روستا رسید. اهالی روستا با دیدن او به کمکش شتافتند و به او آب و غذا دادند. آن ها با هم به سمت محل سقوط هواپیما رفتند و با همکاری هم، هواپیما را بررسی کردند.
در نهایت، مرد با کمک اهالی روستا، توانست به خانه اش برگردد و از این تجربه ی شگفت انگیز و آموزنده درس های زیادی بگیرد. او فهمید که در زندگی، دوستی و همکاری می تواند هر مشکلی را حل کند و عشق به طبیعت و موجودات زنده، همیشه باید در دل ما باشد.



علی احمدی

داستان مورچه و کبوتر

یکی بود یکی نبود غیر از خدای مهربان هیچکس نبود در جنگلی سرسبز که همه حیوان و حشرات آنجا زندگی می کردند یک کرم و یک مورچه در زیر درختی نشسته بودند و با هم صحبت می کردند ناگهان یک کبوتر از بالای درخت پرواز کرد و می خواست که را بخورد اما اشتباهی مورچه را خورد روز بعد مورچه در دل کبوتر راه می رفت و او را قلقلک می داد و کبوتر را می خنداند کبوتر با خودش گفت ای وای چه اشتباهی کردم که مورچه را خوردم ای کاش بیشتر دقت می کردم و کرم را می خوردم تا اینقدر قلقلکم نیاید و از خنده دل درد بگیرم از آن روز به بعد کبوتر تصمیم گرفت که در موقع شکار حواسش را جمع کند تا چیزی را اشتباهی نخورد



داستان محمد حسین مراغه

(قسمتی از داستان با هوش مصنوعی تکمیل شد)

روزی روزگاری، یک فوتبالیست جوان به نام امیر بود که در یک شهر کوچک زندگی می کرد. او از کودکی عاشق فوتبال بود، اما به دلیل قد و قامتش، همیشه در تیم های محلی به عنوان بازیکن ضعیف شناخته می شد. اما امیر هرگز ناامید نشد و تصمیم گرفت که با تلاش و پشتکار به آرزویش برسد.

امیر هر روز ساعت ها تمرین می کرد و به توصیه های مربیانش گوش می داد. او می دانست که برای رسیدن به هدفش باید سخت کار کند. سال ها گذشت و امیر به تدریج پیشرفت کرد. او به تیم های بزرگ تر پیوست و در نهایت توانست به تیم ملی کشورش دعوت شود.

روزی روزگاری، در یک مسابقه بزرگ، امیر با ستاره های بزرگ فوتبال، از جمله رونالدو، هم تیمی شد. در یکی از دقیق حساس بازی، امیر با یک حرکت زیبا توانست گل بزند و این گل نه تنها برای او، بلکه برای تیمش بسیار ارزشمند بود. این لحظه برای او یک رویا بود که به حقیقت پیوسته بود.

پس از آن مسابقه، امیر به جام جهانی رفت و با تلاش و همت خود، مدال طلا را به دست آورد. او در این لحظه شگفت انگیز، به یاد تمام زحمات و تلاش هایش افتاد و به پدر و مادرش که همیشه او را حمایت کرده بودند، گفت: "من شما را خیلی دوست دارم و این موفقیت را مدیون شما هستم."

نکته ای که امیر از این تجربه آموخت این بود که هیچ چیزی غیرممکن نیست و با تلاش و پشتکار می توان به هر هدفی رسید. همچنین او فهمید که حمایت خانواده و دوستان در مسیر موفقیت بسیار مهم است و باید همیشه قدر دان آن ها باشد.

این داستان به ما یادآوری می کند که با ایمان به خود و تلاش مستمر، می توانیم به آرزوهایمان برسیم و در کنار آن، محبت و قدر دانی از عزیزانمان را فراموش نکنیم.



این داستان

ادامه

دارد...